

بخش ۳۷

دعا

خدا چگونه پاسخ می‌دهد

درودها در نام خداوند و منجی ما عیسی مسیح. در این سری از درسها اعتقادات اساسی مسیحیان، برای شما عزیزان تشریح می‌شود. هدف از این درسها این است که شما آگاهی صحیحی از تعالیم عمده کتاب مقدس بیابید. در این درس مبحث جدیدی را شروع می‌کنیم که دعا نام دارد. لطفاً به دنباله این درس توجه کنید.

دعا، مزیتی بزرگ

کسانی که از راه ایمان با مسیح متحد شده‌اند می‌توانند به منظور پرستش و گفتگو، مستقیماً به حضور خدا بروند و برای احتیاجات خود و دیگران دعا کنند. به این ترتیب ایمان‌داران به مسیح می‌توانند بدون واسطه‌های زمینی و بطور مستقیم به حضور خدا بروند و دعا کنند. عیسی مسیح قبل از مرگ خود، به شاگردانش چنین فرمود: "... یقین بدانید که هر چه بنام من از پدر بخواهید به ما خواهد داد" (انجیل یوحنا فصل شانزدهم، آیه ۲۳).

بر اساس این وعده، ما می‌توانیم هر تقاضایی را در نام عیسی با پدر آسمانی در میان بگذاریم. از آنجایی که خدا قادر مطلق است او می‌تواند

تعالیم اساسی کتاب مقدس

درخواستهای کوچک یا بزرگ ما را مستجاب کند. پس خوب است بدون توجه به کوچکی یا بزرگی تقاضای خود، آن را در نام عیسی با پدر آسمانیمان در میان بگذاریم.

خدا چگونه پاسخ می‌دهد

خدا به سه صورت به تقاضای ما پاسخ می‌دهد. صورت اول این است که او به تقاضای ما پاسخ مثبت می‌دهد و فوراً درخواست ما مستجاب می‌شود. صورت دوم این است که او به تقاضای ما پاسخ مثبت می‌دهد اما لازم است که مدتی صبرکنیم تا آنچه که خواسته‌ایم انجام بشود. و بالاخره صورت سوم این است که خدا به تقاضای ما جواب منفی می‌دهد چون آنچه که خواسته‌ایم با اراده او هماهنگ نبوده است. حالا می‌خواهیم نمونه‌هایی را از کتاب مقدس به شما ارائه بدهیم تا مشاهده کنید که خدا به صورتهای مختلف به درخواست ایمان‌داران پاسخ می‌دهد.

پاسخ مثبت و مستجاب شدن فوری تقاضا، در فصل

چهارم اعمال رسولان، آیات ۲۳ تا ۳۱ دیده می‌شود. موضوع از این قرار بود که روسای قوم یهود به شاگردان عیسی اخطار کرده بودند که درباره عیسی با کسی صحبت نکنند! آنگاه ایمان‌داران بطور متحد به دعا پرداختند. کلام خدا می‌فرماید: "به محض اینکه این دو شاگرد (یعنی پطرس و یوحنا) از آنجا مرخص شدند پیش دوستان خود بازگشتند و چیزهایی را که سران کاهنان و مشایخ به آنان گفته بودند بازگو کردند. وقتی آنان باخبر شدند، همه با هم به درگاه خدا دعا کردند و گفتند: "ای

پروردگار، خالق آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنها هست،" (اعمال فصل چهارم، آیات ۲۳-۲۴). سپس در آیات ۲۹-۳۱ نوشته شده است که: "اکنون ای خداوند تهدیدات آنان را ملاحظه فرما و بندگانت را تواناگردان تا پیام ترا با شهادت بیان کنند. دست خود را به جهت شفاعت و جاری ساختن آیات و معجزاتی که بنام بنده مقدس تو عیسی انجام می‌گیرد دراز کن. هنگامیکه دعایشان به پایان رسید ساختمان محل اجتماع آنان به لرزه درآمد و همه از روح القدس برگشتند و کلام خدا را با شهادت بیان می‌کردند."

می‌بینیم که خدمتگزاران خدا تحت فشار تهدیدها و در شرایط نامساعد بسر می‌بردند. وقتی ایمان‌داران متحداً دعا کردند تقاضای آنان این نبود که مخالفینشان نابود بشوند یا هر طور شده از مشکلاتی که داشتند خلاصی بیابند. آنها به درگاه خدا دعا کردند که توانا بشوند و پیام خدا را با شهادت بیان کنند. این قبیل دعاها حتماً مستجاب می‌شود چون با اراده خدا هماهنگی دارد. آن ایمان‌داران در فکر راحتی و آسایش خود نبودند و نمی‌خواستند از مسئولیتی که در مورد انتشار مژده نجات برعهده داشتند شانه خالی کنند. آنها می‌خواستند پیغام خدا را با دلیری بیان کنند تا ملکوت خدا گسترش بیابد. پس آنها نفع خود را نمی‌طلبیدند بلکه در فکر پیشرفت ملکوت خدا بودند. ضمناً آنها از ضعف خود با خبر بودند و می‌دانستند که در آن شرایط نامساعد به قدرت خدا نیاز دارند. آنها می‌خواستند توانا بشوند که مأموریت خود را به خوبی انجام بدهند. آن ایمان‌داران همچنین درخواست کردند که خدا از طریق شفا و آیات و معجزات پیغامشان را تصدیق کند. بر اساس کلام خدا بعد از این دعا آنها از روح القدس پر شدند و روح خدا به آنان قدرت بخشید که کلام خدا را با شهادت بیان کنند. جالب است که حتی محلی که در آن جمع شده

بودند به لرزه درآمد! به این ترتیب خدا دعای آن ایمان‌داران را بلافاصله مستجاب کرد و به آنان اطمینان بخشید که قدرت لازم را برای انجام مأموریت دارند. خوشبختانه امروز هم خدا قدرت لازم را به کسانی که می‌خواهند مژده نجات را اعلام کنند عطا می‌کند چون او مایل است ملکوتش گسترش بیابد. خوب است هر ایمان‌داری صمیمانه دعا کند که خدا توانایی لازم را به او ببخشد تا پیغام خدا را با دلیری برای دیگران بیان کند.

پاسخ مثبت و مستجاب شدن تقاضا بعد از گذشت مدتی،

در زندگی ابراهیم دیده می‌شود. گفتیم که ممکن است خدا به درخواست ما جواب مثبت بدهد ولی لازم باشد که مدتی صبرکنیم تا آنچه که خواسته‌ایم انجام بشود. بعضی وقتها درخواست ما از خدا طوری است که در عملی شدن آن دیگران هم نقش دارند. آیا خدا مردم را به زور وادار می‌کند که اراده او را انجام بدهند تا درخواست ما عملی بشود؟! نه، خدا اراده خود را بر مردم تحمیل نمی‌کند، بلکه با صبر و حوصله در زندگی آنها کار می‌کند تا خودشان حاضر بشوند اراده او را انجام بدهند، به این ترتیب بعضی وقتها با وجود اینکه پاسخ خدا به درخواست ما مثبت است بایستی مدت زمانی صبر کنیم تا تقاضای ما عملی بشود. و اما زندگی ابراهیم در رابطه با این مطلب که با وجود مثبت بودن پاسخ خدا، تقاضا بعد از گذشت مدتی مستجاب می‌شود. ابراهیم در حدود دو هزار سال قبل از میلاد مسیح در این جهان زندگی می‌کرد. به موجب کتاب مقدس هنگامی که در شهر اور کلدانیان بسر می‌برد خدا به او فرمود که محل تولدش را ترک کند. خواست خدا این بود که ابراهیم در سرزمین کنعان زندگی کند اما ابراهیم بعد از ترک نمودن وطن خود مدتی در شهر

حران بسر برد. بالاخره او در سن هفتاد و پنج سالگی حران را ترک کرد و راهی کنعان شد. خدا به ابراهیم وعده داده بود که به او قومی کثیر داده و آنان ملتی بزرگ خواهند شد. دیگر اینکه ابراهیم را برکت داده و نام او مشهور و معروف خواهد شد خدا همچنین وعده داده بود که از ابراهیم همه ملتها را برکت خواهد داد، و البته این وعده اشاره دارد به تولد مسیح از نسل ابراهیم و اسحق. خدا این وعده‌ها را در اور کلدانیان به ابراهیم داده بود اما با وجود این وعده‌ها، بعد از آنکه ابراهیم وارد سرزمین کنعان شد و ده سال در آنجا زندگی می‌کرد هنوز بدون فرزند بود. در فصل پانزدهم کتاب پیدایش می‌خوانیم که خدا در رویا به ابراهیم فرمود: "...ای ابرام مترس من سپر تو هستم و اجر بسیار عظیم. ابرام گفت ای خداوند یهوه، مرا چه خواهی داد و من بی‌اولاد می‌روم و مختار خانام این العاذار دمشقی است. و ابرام گفت اینک مرا نسلی ندادی و خانه‌زادم وارث من است. در ساعت کلام خداوند به وی در رسیده گفت این وارث تو نخواهد بود بلکه کسی که از صلب تو درآید وارث تو خواهد بود."

(پیدایش فصل پانزدهم آیات ۱ تا ۴)

در اینجا خدا بر اساس آنچه که قبلاً یعنی در فصل دوازدهم پیدایش وعده داده بود به ابراهیم اطمینان بخشید که وارث او شخصی از صلب یا بدن خودش خواهد بود. اما باید در نظر داشته باشیم که تا تولد اسحق هنوز حدود پانزده سال باقیمانده بود، پس ابراهیم باید پانزده سال دیگر هم صبر می‌کرد! در واقع می‌شود گفت که از زمان وارد شدن ابراهیم به سرزمین کنعان تا وقتی که پسر او اسحق بدنیا آمد حدوداً بیست و پنج سال طول کشید. جالب است که در رساله پولس رسول به رومیان فصل چهارم، آیه ۲۰ ذکر شده است که ایمان ابراهیم در طول این سالها نه فقط ضعیف نشد بلکه قویتر می‌گردید. ابراهیم می‌خواست که اولاد داشته باشد و

صاحب اولاد نیز شد. اما می‌دانیم که سالها طول کشید تا تقاضای او مستجاب گردید. بر اساس فصل بیست و یکم کتاب پیدایش آیه ۵ "وقتی اسحق متولد شد ابراهیم صد ساله بود".

و بالاخره، خدا ممکن است به تقاضای ایمان‌دار جواب

منفی بدهد، و این در زندگی پولس رسول دیده می‌شود. در رساله دوم پولس به قرنطیان فصل دوازدهم، آیات ۷ و ۹ چنین نوشته شده است که: "... برای اینکه بخاطر مکاشفات فوق العاده‌ای که دیده‌ام مغرور نشوم ناخوشی جسمانی دردناکی به من داده شد که مانند قاصدی از طرف شیطان مرا بکوبد تا زیاد مغرور نشوم. سه بار از خداوند درخواست کردم که آن را از من دور سازد، اما او در جواب به من گفت فیض من برای تو کافی است، زیرا قدرت من در ضعف تو کامل می‌گردد."

می‌بینیم که پولس رسول سه بار از خداوند درخواست کرد که مشکل جسمانی او را برطرف کند اما پاسخ خداوند منفی بود چون در واقع تقاضای پولس به نفع او نبود! از آنجایی که ناخوشی جسمانی پولس به منظور فروتن نگه‌داشتن او به او داده شده بود و در واقع برای او مفید بود خداوند به درخواست پولس جواب منفی داد. باید توجه داشته باشیم که خداوند نه فقط بطور روشن به پولس جواب منفی داد بلکه علت را نیز برای او بیان کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ روشن خدا به ایمان‌داران، ممکن است مثبت یا منفی باشد. البته اوقاتی هم هست که ایمان‌دار تقاضای خود را در دعا با خدا در میان می‌گذارد اما بخاطر دلایلی خدا به او پاسخی نمی‌دهد. در بخش بعد بررسی خود را در این زمینه آغاز می‌کنیم که چرا خدا درخواست ایمان‌دار را بدون پاسخ می‌گذارد!

خاتمه:

در پایان این درس می‌خواهیم کمی با شما خوانندهٔ حقجو دربارهٔ این موضوع صحبت کنیم که. خدای حقیقی پسر یگانهٔ روحانی خود عیسی را به جهان فرستاد تا از طریق مرگ و زنده شدن دوبارهٔ خود رستگاری را برای انسان گناهکار فراهم کند. او بخاطر گناهان شما مُرد و دوباره زنده شد و چون اکنون زنده است می‌تواند شما را رستگار کند. اگر قلباً به او ایمان بیاورید رستگار می‌شوید که در اینصورت شما هم با خدای حقیقی رابطه خواهید داشت. کسانی که با خدای حقیقی رابطه دارند می‌توانند همانند فرزندان با پدر آسمانی خود گفتگو کنند و در دعا برای خود و دیگران از او یاری بطلبید.